

## ساختار سازه ای پرسش نامه چهار بعدی سنجش سلامت؛

### الگوی زیستی - روانی - اجتماعی - معنوی

هادی بهرامی احسان<sup>۱</sup>، مهسا سعادت<sup>۲</sup>، فاطمه محمودی<sup>۳</sup>، صدیقه فانی<sup>۴</sup>

#### مقاله پژوهشی

#### چکیده

**زمینه و هدف:** ارزیابی سلامت با تحول نگاه ها اخیرا توسعه یافته و هم اینک بر الگویی چهار بعدی متمرکز شده است. هدف پژوهش حاضر آماده سازی و بررسی روایی، پایایی و به دست آوردن ساختار عاملی پرسش نامه ۴ بعدی سنجش سلامت بر اساس رویکرد زیستی روانی اجتماعی و معنوی بود.

**مواد و روش ها:** نمونه پژوهش شامل ۳۱۱ فرد بود که با روش نمونه گیری در دسترس از مناطق مختلف شهر شیراز در سال ۱۳۹۱ انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها، از پرسش نامه ۴ بعدی سلامت که از ۱۲۵ پرسش تشکیل و روایی محتوایی آن توسط اساتید برجسته مورد تأیید قرار گرفته بود استفاده شد. به منظور بررسی روایی سازه ای پرسش نامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید.

**یافته ها:** تحلیل عاملی ۱۰ عامل را مشخص کرد که حدود ۷۴٪ از واریانس سلامت را تبیین نمود.

**نتیجه گیری:** با نگاه چهار بعدی ابعاد متنوع تری از سلامت مطرح است که با توجه به آن می توان نتایج دقیق تری به دست آورد. با توجه به روایی و اعتبار قابل قبول به دست آمده از پرسش نامه ۴ بعدی ارزیابی سلامت، استفاده از این پرسش نامه برای مطالعاتی که به منظور سنجش سلامت انجام می گیرد پیشنهاد می شود.

**واژه های کلیدی:** پرسش نامه ۴ بعدی سنجش سلامت، تحلیل عاملی، روایی، پایایی

**ارجاع:** بهرامی احسان هادی، سعادت مهسا، محمودی فاطمه، فانی صدیقه. ساختار سازه ای پرسش نامه چهار بعدی سنجش سلامت؛ الگوی زیستی -

روانی - اجتماعی - معنوی. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۴؛ ۱۳(۲): ۴۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۱۹

Email: hbahrami@ut.ac.ir

۱. دکتری روان شناسی، دانشیار دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

۲. دکتری آمار زیستی، استادیار موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی کشور، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

#### مقدمه

سلامت مفهوم وسیعی دارد و تعریف آن تحت تاثیر میزان آگاهی و طرز تلقی جوامع با شرایط گوناگون جغرافیایی و فرهنگی، قرار می گیرد، ضمن اینکه سلامتی یک روند پویاست و با گذشت زمان نیز مفهوم آن تغییر خواهد کرد. قدیمی ترین تعریف از سلامتی عبارتست از بیمار نبودن. در طب سنتی

تعادل میان چهار طبع دم، بلغم، صفرا و سودا را سلامت می دانند. فرهنگ وبستر (Webster)، سلامتی را وضعیت خوب جسمانی و روحی و به خصوص عاری بودن از درد یا بیماری جسمی می داند. فرهنگ آکسفورد (Oxford) سلامتی را وضعیت عالی جسم و روح و حالتی که اعمال بدن به موقع و موثر انجام شود، می داند. در دیدگاه آماری، معمولا بر اساس

توزیع فراوانی، فراوان‌ترین رویداد یا عادی‌ترین حالت را طبیعی و سالم می‌دانند و مقادیر کمتر و بیشتر از سه انحراف معیار از میانگین، غیر طبیعی است (۱).

در مورد سلامت و بیماری به تشخیص‌های مقوله‌ای (Categorical) در برابر پیوستاری پرداخته است. این نوع طبقه‌بندی پیوستگی بین رفتار بهنجار و نابهنجار را در نظر نمی‌گیرد. نظام مقوله‌ای، متخصصان بالینی را وادار به تعریف یک آستانه به عنوان «قابل تشخیص» می‌کند (۲). ۲۰ تا ۵۰ درصد کسانی که در صدد درمان بر می‌آیند در مقوله «به گونه‌ای دیگر مشخص نشده است (NOS)» قرار می‌گیرند (۳)؛ یعنی عده زیادی علائم خفیفی دارند که گویا درست زیر آستانه تشخیص قرار می‌گیرند. یکی از دلایل رایج بودن نظام‌های مقوله‌ای این است که آستانه‌ای را برای درمان تعیین می‌کنند. اگر چه احتمال دارد نقطه‌های برش تا حدودی دلخواهی باشد، می‌تواند راهنمای مفیدی در اختیار بگذارد. تشخیص‌های مقوله‌ای، تصور غلط ناپیوستگی را تقویت می‌کنند.

بر خلاف نظام‌های تشخیصی مقوله‌ای، نظام‌های تشخیصی ابعادی (Dimensional) درجه یا اندازه چیزی را که وجود دارد، توصیف می‌کنند. یک نظام ابعادی می‌تواند با مشخص کردن آستانه، یک نظام مقوله‌ای را در خود جای دهد. این قابلیت، امتیازی بالقوه برای رویکرد ابعادی است.

سه الگوی اصلی که عناصر کلیدی یا عوامل پیش‌بین‌سازی با بیماری را بر این اساس سازماندهی می‌کنند عبارت هستند از: مدل زیستی-پزشکی (Biomedical models)، که بر بیماری تأکید دارد؛ مدل روانی-اجتماعی (Psychosocial models) و مدل زیستی-روانی-اجتماعی (Biopsychosocial models) که بر سلامت و بهزیستی تأکید دارند. این سه الگو، هم در پژوهش و هم در مداخلات بالینی، مدل‌های غالب تبیین نحوه سازگاری با بیماری جسمی مزمن (Chronic) محسوب می‌شوند.

مدل سنتی زیستی-پزشکی، دیدگاهی نسبتاً مکانیکی است که رابطه علت و معلولی مستقیم بین بیماری و علائم آن فرض

می‌کند و معتقد است که اثر بیماری جسمی به وسیله عوامل زیستی-شیمیایی به وجود می‌آید و باعث ایجاد مجموعه‌ای علائم یا نشانه‌ها می‌شود که خاص آن آسیب یا بیماری هستند (۴). به علاوه، الگوی زیستی-پزشکی فرض می‌کند که فرایند روانی-اجتماعی تا حد زیادی مستقل از فرایندهای بیماری‌های جسمی هستند (۵). تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند که محدودیت‌های جدی در چارچوب مدل زیستی-پزشکی بیماری و پی‌آمدهای سازگاری جسمی مرتبط با آن وجود دارد. برخی جامعه‌شناسان معتقدند که مدل زیستی-پزشکی مدلی خلاصه (Reductionist) است و به عوامل زیستی بیماری بیش از عوامل فرهنگی-اجتماعی اهمیت می‌دهد. در نتیجه، این مدل عوامل پیچیده درگیر در فرایند بیماری شامل متغیرهای روانی-اجتماعی و محیطی را در نظر نمی‌گیرد (۶). در اصل الگوی زیستی-پزشکی یک الگوی عاملی واحد در مورد بیماری‌هاست. یعنی به جای آن که عوامل گوناگون مسبب بیماری شناسایی شوند، بیماری صرفاً از بعد بدکاری زیستی تبیین می‌شود. الگوی زیستی-پزشکی به طور ضمنی قائل به دوگانگی (Dualism) ذهن و بدن است و این‌گونه می‌پندارد که ذهن و بدن دو جوهر جداگانه و نامرتب هستند. در واقع می‌توان گفت که این الگو آشکارا بر حالات بیماری تأکید دارد تا بر حالات سلامت، بدان معنا که به جای آنکه بر حالات ارتقا دهنده سلامت تأکید ورزد، بر ناهنجاری‌ها و عوامل خطر زیستی تأکید دارند که باعث بیماری می‌شوند (۷).

در پاسخ به نواقص مذکور، مدل‌های روانی-اجتماعی توسعه یافتند. تحقیقات بیش از پیش نشان دادند که عوامل روانی-اجتماعی و محیطی یا در تسریع فرایندهای بیمارگون اثرگذار هستند یا به عنوان سپری عمل می‌کنند که پی‌آمدهای بالقوه منفی را در سازگاری با بیماری کاهش می‌دهند. در واقع، بخش عمده‌ای از تغییرپذیری‌های قابل توجهی که در پی‌آمدهای جسمی بیماران وجود دارد، بر تفاوت‌های افراد در کنش‌های روانی-اجتماعی قابل اسناد است (۸). با این حال مدل‌های روانی-اجتماعی نیز به تنهایی در تبیین سازگاری با بیماری نارسا بودند. بنابراین، تلفیق این دو نوع مدل، تحت عنوان مدل

### پ) بعد اجتماعی

عوامل اجتماعی با سیستم زیستی و روانی تعامل داشته و شامل این عناصر می‌شود: فعالیت‌های روزمره، عوامل استرس‌زای محیطی، روابط بین فردی، محیط خانوادگی، حمایت/انزوای اجتماعی، انتظارات اجتماعی، وضعیت اجتماعی اقتصادی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، رابطه بیمار- درمانگر، عوامل فرهنگی، مسائل پزشکی-حقوقی و بیمه، تجارب درمان در گذشته و تاریخچه شغلی. این عوامل نقش مهمی در سلامت دارند چرا که با دسترسی به منابع رابطه دارند (۱۳-۱۲).

می‌توان گفت مدل زیستی- روانی- اجتماعی اولین الگویی است که مدل ارزیابی و مداخله محکمی را فراهم آورده که توسط همه متخصصان مشاوره قابل استفاده است. کاربرد مدل زیستی- روانی- اجتماعی در برخی از حیطه‌ها مشخص شده است که عبارت هستند از: درد مقاوم، فلج مغزی، افسردگی، آئزین و سندرم معده تحریک پذیر (۱۴-۱۸).

در سال ۲۰۰۳ سازمان بهداشت جهانی سلامت را «تندرستی کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً فقدان بیماری» تعریف کرد (۱۹). این تعریف بیانگر این مسأله است که سلامتی یک مسأله چند بعدی است و باید توجه داشت که ابعاد مختلف سلامتی و یا بیماری بر یکدیگر اثر کرده و تحت تأثیر یکدیگر قرار دارند. چنانچه مشکلات جسمی بر روان فرد، مشکلات روانی بر جسم او و نیز هر دوی آنها بر جامعه و اختلالات موجود در جامعه بر هر دو بعد دیگر سلامتی اثر می‌گذارند. لذا اقدامات انجام شده برای ارتقای سلامتی باید به تمام جوانب سلامتی فردی (زیستی و روانی و معنوی) و سلامت کلی جامعه توجه داشته باشد.

به دلیل شواهد پژوهشی روزافزون در باب تأثیر دین و معنویت روی سلامت و کیفیت زندگی، این پیشنهاد مطرح شد که مدل زیستی- روانی- اجتماعی نیاز به بازبینی دارد تا معنویت را نیز در برگیرد (۲۱-۲۰). اکثر افراد باور دارند که انسان‌ها از ذهن، جسم و روح تشکیل شده‌اند (۲۳-۲۲، ۲۰). با توجه به این مسأله، اهمیت پرداختن به معنویت در مراقبت بهداشتی بیماران در سال‌های اخیر افزایش یافته است (۲۷-۲۴). در مورد تعریف

زیستی- روانی- اجتماعی، در جهت ارائه مدل‌های دقیق‌تر و کامل‌تر به کار گرفته شد و این اتفاق نظر حاصل گردید که هر گروه از متغیرهای زیستی، روانی و اجتماعی در پیدایش و تداوم بیماری و به تبع آن پذیرش و تبعیت از درمان و سازگاری با آن نقش قابل توجهی دارند (۹). این مدل به ما اجازه می‌دهد که به صورت کل‌نگرانه تأثیرات متقابل محیط، ژنتیک و رفتار را بررسی نماییم (۱۰).

ابعاد مختلف مدل زیستی- روانی- اجتماعی به صورت زیر قابل سنجش است:

### الف) بعد زیستی

معمول‌ترین بعد سلامتی سلامت جسمی است که نسبت به ابعاد دیگر سلامتی، ساده‌تر می‌توان آن را ارزیابی کرد. از آنجا که رشد و تحول انسان اهمیت دارد، ما نمی‌توانیم جنبه‌های جسمی را نادیده بگیریم (۱۱). سلامت جسمی در حقیقت ناشی از عملکرد درست اعضای بدن است. از نظر بیولوژیکی عمل مناسب سلول‌ها و اعضای بدن و هماهنگی آن‌ها با هم نشانه سلامت جسمی است. به عنوان نمونه بعضی از نشانه‌های سلامت جسمی عبارتست از: ظاهر خوب و طبیعی، وزن مناسب، اشتها کافی، خواب راحت و منظم، اجابت مزاج منظم، جلب توجه نکردن اعضای بدن توسط خود فرد، اندام مناسب، حرکات بدنی هماهنگ، طبیعی بودن نبض و فشار خون و افزایش مناسب وزن در سنین رشد و وزن نسبتاً ثابت در سنین بالاتر و ... (۱).

### ب) بعد روانی

بدیهی است سنجش سلامت روانی نسبت به سلامت جسمی مشکل‌تر خواهد بود. در اینجا تنها نداشتن بیماری روانی مد نظر نیست بلکه قدرت تطابق با شرایط محیطی، داشتن عکس‌العمل مناسب در برابر مشکلات و حوادث زندگی جنبه مهمی از سلامت روانی را تشکیل می‌دهد. آسیب‌شناسی روانی نیز در این حیطه قرار می‌گیرد (۱۱). بعضی از نشانه‌های سلامت روانی عبارتست از: سازگاری فرد با خودش و دیگران، قضاوت نسبتاً صحیح در برخورد با مسائل، داشتن روحیه انتقادپذیری و داشتن عملکرد مناسب در برخورد با مشکلات (۱).

سنجش سلامت ضروری می‌نماید. با این وجود، پژوهش‌ها با محدودیت‌های جدی مواجهند. مثلا، بیشتر پژوهش‌ها بر یک بیماری خاص تمرکز دارند و از آمیزه‌ای از اندازه‌ها برای سنجش این چهار بعد استفاده می‌کنند. به علاوه، یک ابزار منسجم وجود ندارد که هر چهار بعد را بر حسب نشانه‌ها و وضع کارکردی بعد-ویژه بسنجد و مانعی است برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه. سازمان بهداشت جهانی در ارزیابی کیفیت زندگی به اهمیت معنویت در کنار سه بعد دیگر پی برده است (۳۶). Brief WHOQOL یک ابزار ۲۴ ماده‌ای، با روان‌سنجی خوب است که کیفیت زندگی را در ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی می‌سنجد. به علاوه، این سازمان اخیرا ابزار ۱۰۰ ماده‌ای خود را با ابزار ۳۲ ماده‌ای معنویت، دیانت و عقاید شخصی ترکیب کرده تا معنویت را در سنجش کیفیت زندگی بگنجانند. این ابزار ترکیبی، نزدیکترین ابزار حال حاضر سنجش هر چهار بعد است، اما این ابزار طولانی بوده و بر سنجش کیفیت زندگی به جای حضور نشانه‌ها متمرکز است. به علاوه، محصول تحلیل عاملی، عامل‌های همپوش بوده است (۳۷).

ضرورت توسعه رویکرد چهار بعدی در ارزیابی سلامت، محققین این مقاله را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از تجارب موجود، ابزاری متناسب با الگوی چهار بعدی سلامت طراحی و معرفی نمایند. این ابزار در تلاش است تا با نگاهی کل‌نگرانه سلامت را در چارچوب ۴ بعد سلامت زیستی- روانی- اجتماعی و معنوی ارزیابی نماید. فرایند تولید این ابزار در مقاله‌های مستقل بحث شده است و مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از روش‌های مناسب تحلیل آماری، روایی و اعتبار این ابزار را بررسی و معرفی نماید.

## مواد و روش‌ها

### ۲-۱) جامعه، نمونه و روش جمع‌آوری داده‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است. این مطالعه در سال ۱۳۹۱ در شهر شیراز انجام گرفت. نمونه پژوهش شامل ۳۵۰ نفر بودند که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. به دلیل نبود فهرست جامعه مورد مطالعه، سه گروه افرادی که سابقه بیماری روانی یا جسمی نداشتند، افرادی که جهت درمان یک

معنویت یا تمایز بین معنویت و دینداری، هیچ توافق جهان شمولی بین محققان وجود ندارد. Sulmasy Dunn معنویت را این‌گونه تعریف می‌کند: ماهیت کنکاش فرد برای یافتن معنا و هدف در زندگی از طریق ارتباط با وجودی برتر (خدا) یا عناصر گیتی (۲۸، ۲۰). از دیدگاه Hill و Pargament پارگامنت، معنویت یعنی فرایندی که افراد از طریق یک بافت دینی گسترده‌تر به دنبال یک وجود مقدس می‌گردند؛ این وجود مقدس می‌تواند خدا، الوهیت، وجود برتر و وجوه فرامعمول زندگی باشد (۲۹). در میان بیماران پزشکی همپوشی زیادی بین معنویت و دینداری وجود دارد (۲۴-۲۳). بعد معنوی شامل مواردی همچون باورهای دینی، مناسک دینی، مدارای دینی، حضور در کلیسا، ملاقات‌های دینی و حمایت‌های دینی می‌شود (۳۰). بررسی شواهد موجود نشان می‌دهد که این تعاریف نارسا و منعکس‌کننده بخش نامعتبری از معنویت است. معنویت در حقیقت انعکاس درونی رابطه‌های مبتنی بر تمایل با خدای تعالی و امور قدسی است.

تعداد زیادی از پژوهش‌ها نشان دادند که راهبردهای مقابله‌ای معنوی و دینی (همچون دعا خواندن، پرداختن به مناسک دینی، مشاوره گرفتن از روحانی، خواندن انجیل، گوش دادن به برنامه‌ها و موسیقی‌های معنوی/دینی) وجوه مهمی از مدیریت درد مزمن هستند (۳۴-۳۱، ۲۸-۲۷).

در مطالعه‌ای گرایش‌ات روانی- اجتماعی، عقاید معنوی و پزشکی مکمل و جایگزین (CAM یا Complementary and Alternative Medicine) بر روی درمان سرطان بررسی شد (۳۵). بین CAM و کنکاش برای نیازهای معنوی ارتباط مستقیمی یافت نشد اما بیماران سرطانی انتظار داشتند که پزشکشان به مباحث معنوی اهمیت دهد. این بیماران درمان کل‌نگرانه و جنبه‌های کیفیت زندگی برایشان اهمیت داشت. جنبه‌های خانوادگی و اجتماعی اهمیتشان بیشتر از جنبه‌های زیستی- پزشکی بود. آنها توجه خاصی به مسائل معنوی داشتند. ادغام رویکرد زیستی- روانی- اجتماعی با معنویت می‌تواند گفت‌وگو بین بیماران و مسئولان بخش سلامت را غنی سازد. در نتیجه لزوم بکارگیری هر ۴ بعد در کنار یکدیگر برای

روابط قابل کشف بین متغیرهایی است که قرار است مورد تحلیل عاملی قرار گیرند.

با توجه به جدول (۳)، در تحلیل عاملی انجام شده ۱۰ متغیر پنهان (عامل) بدست آمد که در مجموع حدود ۷۴ درصد واریانس سلامت را تبیین می‌کند. ۱۰ عامل معرفی شده بعد از تطابق با سؤالات پرسشنامه نامگذاری شده‌اند که جزئیات آن‌ها در جدول (۴) آورده شده است.

مقادیر توصیفی و میانگین ابعاد مختلف سلامت افراد مورد مطالعه بر اساس جنسیت در جدول (۵) نشان داده شده است، با استفاده از آزمون تی دو مستقل به بررسی اختلاف موجود میان ابعاد مختلف سلامت در میان زنان و مردان پرداختیم. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در ابعاد «محدودیت در فعالیت ناشی از بیماری»، «سلامت جسمی» و «ارزیابی سلامت» میان زنان و مردان اختلاف معنی‌داری (در سطح ۰/۰۵) وجود دارد، که در بعد محدودیت در فعالیت ناشی از بیماری و ارزیابی سلامت میانگین نمرات زنان بیشتر از مردان و در بعد سلامت جسمی میانگین نمرات مردان بیشتر از زنان بوده است.

جدول (۶) به مقایسه ابعاد مختلف سلامت در میان افراد مجرد و متأهل پرداخته است. در ابعاد محدودیت در انجام کارها بدلیل سلامت نبودن، انرژی و نشاط، خستگی، معنویت، سلامت جسمی و ارزیابی سلامت اختلاف معنی‌داری بین ۲ گروه مشاهده می‌شود. در کلیه ابعاد بجز بعد معنویت افراد مجرد از میانگین امتیازات بیشتری برخوردار هستند.

جدول (۷) به مقایسه ابعاد مختلف سلامت در میان افراد بی‌سواد، باسواد تا سطح متوسطه و دارای تحصیلات عالی پرداخته است. در کلیه ابعاد به جز ارتباط اجتماعی، هدفمندی در زندگی (افسردگی) و اضطراب اختلاف معنی‌داری بین افراد بی‌سواد، باسواد تا سطح متوسطه و تحصیلات عالی با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه وجود دارد (در سطح ۰/۰۱). با استفاده از آزمون مقایسه چندگانه توکی نتایج مقایسه‌ها به قرار زیر به دست آمد.

اختلال روانشناسی مهم (افسردگی) به بیمارستان شیراز مراجعه می‌کردند و نیز بیمارانی که بدلیل بیماری قلبی تحت درمان پزشکی بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که در نهایت ۳۱۱ نفر از افراد که دارای پرسشنامه کامل و روا بودند در تحلیل شرکت داده شدند.

## ۲-۲) ابزار پژوهش

پرسشنامه ۴ بعدی سلامت: این مقیاس بر اساس نظریه ۴ بعدی سلامت و طی یک فرایند ۴ ساله توسعه یافته است. بر این اساس، پس از تعاریف مبانی اولیه، متناسب با ابعاد مختلف مواد پرسشنامه طراحی و حداقل ۱۵۰ ماده ارزیابی‌کننده پیشنهاد شد. ملاک طراحی مواد، تناسب محتوایی بین ماده ارزیابی‌کننده و هر یک از ابعاد چهارگانه بوده است. پس از آماده‌سازی اولیه، ۵ استاد روانشناسی و پزشک که متخصص در حوزه سلامت بوده و در این حوزه تحقیق و تدریس داشته‌اند، مواد را ارزیابی و با توجه به نظرات تخصصی خود، تعدادی از مواد را حذف و قریب به ۱۲۵ ماده برای تحلیل نهایی آماده شد. پاسخ به سؤالات این پرسشنامه دارای اشکال مختلفی است. برخی از آنها به صورت بله\_خیر و برخی دیگر به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. به‌منظور آماده‌سازی داده‌ها، ابتدا نمره‌ها استاندارد و سپس تجزیه و تحلیل آماری بر روی آن انجام گرفت.

## یافته‌ها

در این مطالعه که بر روی ۳۱۱ نفر انجام گرفته است، ۱۰۴ (۳۳/۴ درصد) نفر مبتلا به افسردگی، ۱۰۳ (۳۳/۱ درصد) نفر مبتلا به بیماری قلبی و ۱۰۴ (۳۳/۴ درصد) نفر فرد عادی شرکت داشتند. جداول زیر وضعیت تحصیلات و وضع تأهل شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

در این پژوهش برای بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از دو آزمون مقدماتی استفاده شد. نتیجه آزمون KMO، نمره ۰/۷۹ را نشان می‌دهد که حاکی از کفایت نمونه برای تحلیل عاملی است و آزمون بارتلت مناسب بودن داده‌ها را در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  نشان داد که حاکی از وجود

- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد « محدودیت در فعالیت‌ها ناشی از بیماری » در کلیه مقایسات ۲ به ۲ در سطح ۰/۰۱ وجود داشت ( $p < ۰/۰۰۰$ ). محدودیت در فعالیت‌ها در میان افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر از افراد باسواد تا سطح متوسط و در میان این افراد بی‌سواد بدست آمد.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد « انرژی و نشاط » افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی در سطح ۰/۰۱ وجود داشت ( $p = ۰/۰۰۲$ ). انرژی و نشاط افراد تحصیل کرده بیشتر از افراد بی‌سواد است.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد « خستگی » افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی ( $p = ۰/۰۴۰$ ) و افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات متوسطه ( $p = ۰/۰۰۱$ ) در سطح ۰/۰۱ وجود داشت. میانگین خستگی در میان افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر از افراد بی‌سواد است.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد « معنویت » افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی و افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات متوسطه در سطح ۰/۰۱ وجود داشت ( $p < ۰/۰۰۰$ ). میانگین معنویت در میان افراد بی‌سواد بیشتر از افراد باسواد تا سطح متوسط و
- در میان این افراد بیش از افراد دارای تحصیلات عالی بدست آمد.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد «سلامت جسمی» افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی و افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات متوسطه در سطح ۰/۰۱ وجود داشت ( $p < ۰/۰۰۰$ ). سلامت جسمی در میان افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر از افراد باسواد تا سطح متوسط و در میان این افراد بیش از افراد بی‌سواد بدست آمد.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد «ضعف در عملکرد» افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات عالی و افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات متوسطه ( $p = ۰/۰۱۴$ ) و افراد بی‌سواد و دارای تحصیلات ضعیف در عملکرد در میان افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر از افراد باسواد تا سطح متوسط و در میان این افراد بیش از افراد بی‌سواد بدست آمد.
- اختلاف معنی‌داری میان میانگین بعد «ارزیابی سلامت» در کلیه مقایسات ۲ به ۲ در سطح ۰/۰۱ وجود داشت ( $p < ۰/۰۲$ ). ارزیابی سلامت در میان افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر از افراد باسواد تا سطح متوسط و در میان این افراد بیش از افراد بی‌سواد بدست آمد.

جدول ۱. تعداد و درصد شرکت کنندگان در مطالعه بر حسب تحصیلات

تعداد	یسواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	فوق دیپلم - لیسانس	فوق لیسانس - دکترا
۴۵	۱۸	۳۳	۷۰	۱۱۹	۶	
درصد	۱۵/۵	۶/۲	۱۱/۳	۲۴/۱	۴۰/۹	۲/۱

جدول ۲. تعداد و درصد شرکت کنندگان در مطالعه بر حسب وضع تاهل

تعداد	مجرد	متاهل	بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق
۱۳۰	۱۳۰	۱۴۹	۲
درصد	۴۶/۳	۵۳	۰/۷

جدول ۳) عامل‌های معرفی شده تحلیل عاملی سلامت و واریانس‌های تبیین شده آن‌ها

عامل‌ها	بار عاملی	
	مقدار ویژه	درصد واریانس
۱	۳۷/۶	۳۳/۹
۲	۹/۶	۸/۶
۳	۶/۵	۵/۸
۴	۶/۱	۵/۵
۵	۴/۹	۴/۴
۶	۴/۳	۳/۹
۷	۳/۷	۳/۴
۸	۳/۵	۳/۱
۹	۳/۳	۲/۹
۱۰	۲/۹	۲/۷

جدول ۴) عامل‌های استخراج شده به همراه سؤالات، بارهای متناظر با هر عامل و پایایی عوامل

بار	عامل	بار	عامل
۰/۲۷۹	عامل ۶: خستگی	۰/۷۶۲	عامل ۱: ارتباط اجتماعی
۰/۷۷	کاهش دادن زمانی که صرف کار یا سایر فعالیت‌ها می‌کرده‌اید.	۰/۸۸	ارتباط خوبی با اطرافیانم دارم.
۰/۷۰	به پایان رساندن کارها کمتر از میزانی که دوست داشته‌اید.	۰/۸۲	به راحتی با اطرافیانم ارتباط برقرار می‌کنم.
۰/۶۴	کار یا سایر فعالیت‌ها را به دقت همیشگی انجام نداده‌اید.	۰/۶۷	فرصتی برای تجربه محبت کردن داشته‌ام.
۰/۶۰	چقدر احساس خستگی می‌کردید؟	۰/۶۱	دوستان زیادی دارم.
۰/۵۷	کاهش دادن زمانی که صرف کار یا سایر فعالیت‌ها می‌کرده‌اید.	۰/۵۷	به خاطر رابطه خوب با همکارانم، به راحتی از عهده کارها بر می‌آیم.
۰/۴۹	خیلی زود خسته می‌شوم و انرژی ام تحلیل می‌رود.	۰/۵۵	می‌توانم برای دیگران فرد قابل اتکا و اعتمادی باشم.
		۰/۵۳	اهل رفت و آمد خانوادگی هستم.
		۰/۵۰	به دیگران اعتماد دارم.
		۰/۴۸	برای خانواده‌ام وقت می‌گذارم.
		۰/۴۰	برایم سخت است که در انجام کار پیش قدم شوم.
		۰/۴۰	خیلی زود با دوستان و همکارانم مشکل پیدا می‌کنم.
		۰/۴۰	عدم مهارت در ارتباط سبب شده غالباً احساس تنهایی کنم.
۰/۸۸۶	عامل ۷: معنویت	۰/۹۱۷	عامل ۲: محدودیت در فعالیت‌ها ناشی از بیماری
۰/۸۲	واجبات دینی را با علاقه انجام می‌دهم.	۰/۹۸	۱۰۰ متر راه رفتن.
۰/۸۱	خواندن نماز به من آرامش می‌دهد.	۰/۹۷	نیم کیلومتر راه رفتن.
۰/۷۴	حضور خدا را در زندگی‌ام احساس می‌کنم.	۰/۸۸	بالا رفتن از یک طبقه ساختمان با استفاده از پله.
۰/۷۰	در هنگام دشواری به خدا و پیامبران متوسل می‌شوم.	۰/۸۴	راه رفتن بیش از یک کیلومتر.
۰/۶۸	مذهب به زندگی من معنا می‌بخشد.	۰/۷۵	خم شدن، زانو زدن یا ایستادن.

۰/۷۳	رهنمودهای قرآن را در زندگی‌ام به کار می‌برم.	۰/۷۳	بالا رفتن از چند طبقه ساختمان با استفاده از پله.
۰/۷۲		۰/۷۲	فعالیت‌های نه چندان سخت مثل جابجا کردن میز، استفاده از جاروبرقی، پرتاب کردن توپ کوچکی مثل توپ تنیس.
۰/۷۱		۰/۷۱	حمام کردن یا لباس پوشیدن.
۰/۶۵		۰/۶۵	به نظر می‌رسد آسانتر از افراد دیگر مریض می‌شوم.
۰/۷۶۳	<b>عامل ۸: سلامت جسمی</b>	۰/۸۴۱	<b>عامل ۳: انرژی و نشاط</b>
۰/۶۵	ضعف و سرگیجه داشته‌ام.	۰/۸۰	چقدر احساس می‌کردید فردی عصبی هستید؟
۰/۶۲	احساس ضعف در قسمت‌هایی از بدنم داشته‌ام.	۰/۷۱	چقدر احساس آرامش و راحتی خیال داشتید؟
۰/۶۰	درد در ناحیه کمر داشته‌ام.	۰/۷۱	چقدر احساس می‌کردید روحیه تان خراب است؟
۰/۵۷	گرفتگی عضلات داشته‌ام.	۰/۶۸	چقدر احساس خوشحالی می‌کردید؟
۰/۵۰	احساس سنگینی در دست‌ها و پاهایم تجربه کرده‌ام.	۰/۶۵	چقدر احساس می‌کردید که روحیه تان به قدری خراب است که هیچ چیز نمی‌تواند شما را خوشحال و سر حال کند؟
۰/۴۴	به هم خوردگی معده (آشفتگی شکم) و یا حالت تهوع داشته‌ام.	۰/۶۲	زودرنج و حساس شده‌ام.
		۰/۶۱	چقدر احساس سرزندگی و نشاط می‌کردید؟
		۰/۵۲	احساس شادی کرده‌ام.
		۰/۵۱	چقدر احساس می‌کردید سرشار از انرژی هستید؟
		۰/۴۹	غمگین هستم.
		۰/۴۸	یک توده بزرگ در گلویم احساس کرده‌ام.
		۰/۴۲	احساس دل‌مردگی و دل‌شکستگی دارم.
۰/۷۱۰	<b>عامل ۹: ضعف در عملکرد</b>	۰/۸۵۱	<b>عامل ۴: هدفمندی در زندگی</b>
۰/۶۴	انواع کارها یا فعالیت‌هایی را که انجام می‌دهم، محدود کرده‌ام.	۰/۷۴	گاهی به فکر خودکشی افتاده‌ام.
۰/۵۵	به خاطر عدم حمایت اطرافیان، از خیلی از برنامه‌هایم صرف نظر می‌کنم.	۰/۶۹	امیدم را از دست داده‌ام.
۰/۵۴	کارها یا فعالیت‌هایم را به سختی انجام می‌دهم.	۰/۶۴	نداشتن معنا در زندگی موجب سردرگمی من شده است.
۰/۵۱	انگیزه‌ام برای کارهای روزانه کم شده است.	۰/۶۰	عدم هدفمندی سبب شده است که غالباً دچار تردید یا حس پوچی باشم.
۰/۴۸	عملکردم ضعیف‌تر از آن چیزی است که دوست دارم.	۰/۴۹	در طی ۴ هفته گذشته چقدر وضعیت سلامت جسمی یا مشکلات روحیتان در فعالیت‌های اجتماعی شما (برای مثال دیدار با دوستان، بستگان و غیره) اختلال ایجاد کرده است؟
		۰/۴۲	ناممندی باعث شده است که دست به انجام هیچ کاری نزنم.
۰/۵۴۹	<b>عامل ۱۰: ارزیابی سلامت</b>	۰/۸۰۸	<b>عامل ۵: اضطراب</b>
۰/۷۹	نسبت به یک سال قبل سلامت خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۰/۶۶	احساس می‌کنم که هر لحظه ممکن است دچار ترس و وحشت شوم.
۰/۵۵	وضعیت سلامت من عالی است.	۰/۵۶	خودم را پریشان و سردرگم احساس می‌کنم.
۰/۴۵	به طور کلی سلامت خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۰/۵۶	نسبت به هر چیزی که مرا از کار بازدارد بی‌تحمل و نا بردبارم (صبر و تحمل ندارم).



احساس می‌کنم انرژی روانی بسیاری مصرف می‌کنم. ۰/۵۵  
 بدون هیچ دلیل موجهی احساس ترس می‌کنم. ۰/۵۱  
 نگرانم مبادا در بعضی موقعیت‌ها دچار ترس شوم یا به کار  
 احمقانه‌ای دست بزنم. ۰/۴۶

(پایایی بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شده است)

جدول ۵. مقایسه میانگین ابعاد مختلف سلامت بر حسب جنس

مقدار-P مقایسه دو جنس	میانگین بعد در مردان	میانگین بعد در زنان	میانگین کل بعد	چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	ابعاد سلامت
۰/۶۱۸	۱۷/۷۹ ع ۶۲/۱۸	۱۴/۵۳ ع ۶۳/۳۷	۱۵/۶۴ ع ۶۲/۸۱	۷۴/۳۳	۶۳/۹۲	۵۱/۴۲	ارتباط اجتماعی محدودیت در فعالیت‌ها ناشی از بیماری
*۰/۰۱۰	۲۹/۵۶ ع ۵۹/۴۲	۲۸/۰۲ ع ۶۹/۵۰	۲۸/۴۳ ع ۶۷/۴۷	۹۲/۲۲	۷۶/۶۷	۴۶/۱۱	انرژی و نشاط هدمندی در زندگی
۰/۷۵۳	۲۰/۹۸ ع ۵۲/۹۳	۱۷/۸۳ ع ۵۲/۰۹	۱۸/۶۶ ع ۵۱/۹۲	۶۷/۰۲	۵۲/۳۳	۳۷/۱۰	اضطراب
۰/۳۳۰	۲۳/۰۱ ع ۵۵/۵۲	۲۰/۲۵ ع ۵۸/۷۴	۲۱/۰۸ ع	۷۵/۴۷	۶۱/۷۵	۴۴/۲۸	خستگی
۰/۶۳۶	۲۷/۹۹ ع ۵۵/۳۸	۲۳/۶۳ ع ۵۶/۹۹	۲۴/۹۳ ع	۷۷/۸۳	۵۰/۵۰	۳۸/۶۷	معنویت
۰/۵۰۷	۲۹/۳۷ ع ۴۱/۸۵	۲۹/۱۱ ع ۴۴/۵۴	۲۹/۰۷ ع	۶۶/۶۱	۴۱/۰۷	۱۷/۱۴	سلامت جسمی
۰/۴۷۱	۳۰/۶۱ ع ۷۲/۰۸	۱۹/۳۳ ع ۷۴/۹۰	۲۳/۰۹ ع	۹۱/۶۷	۷۹/۱۷	۶۲/۵۰	ضعف در عملکرد
*۰/۰۱۷	۲۰/۵۷ ع ۷۰/۷۹	۱۹/۴۸ ع ۶۴/۲۷	۱۹/۹۷ ع	۸۰/۰۰	۷۰/۰۰	۵۰/۰۰	ارزیابی سلامت
۰/۱۷۹	۲۲/۰۳ ع ۵۷/۷۱	۲۰/۲۵ ع ۵۳/۹۱	۲۰/۷۷ ع	۷۰/۰۰	۵۵/۰۰	۴۰/۰۰	
*۰/۰۰۴	۲۴/۷۳ ع ۴۵/۶۵	۲۲/۰۴ ع ۵۴/۹۸	۲۲/۹۷ ع	۶۸/۳۳	۵۳/۳۳	۳۳/۳۳	

\* معنی دار در سطح ۰/۰۵

جدول ۶. مقایسه میانگین ابعاد مختلف سلامت بر حسب وضع تاهل

مقدار-P مقایسه دو وضعیت تاهل	میانگین بعد در افراد متاهل	میانگین بعد در افراد مجرد	میانگین کل بعد	ابعاد سلامت
۰/۰۸۷	۱۴/۱۹ ع ۶۵/۴۶	۱۶/۳۸ ع ۶۲/۲۰	۱۵/۶۴ ع ۶۲/۸۱	ارتباط اجتماعی محدودیت در فعالیت‌ها ناشی از بیماری
*۰/۰۰۰	۲۹/۶۳ ع ۵۲/۶۷	۱۵/۹۱ ع ۸۳/۴۹	۲۸/۴۳ ع ۶۷/۴۷	انرژی و نشاط هدمندی در زندگی
*۰/۰۱۷	۱۸/۲۶ ع ۴۹/۱۹	۱۸/۶۴ ع ۵۴/۶۴	۱۸/۶۶ ع ۵۱/۹۲	اضطراب
۰/۷۳۶	۱۸/۹۳ ع ۵۸/۹۳	۲۲/۴۹ ع ۵۷/۹۷	۲۱/۰۸ ع ۵۷/۷۱	
۰/۲۵۶	۲۳/۶۴ ع ۵۷/۶۷	۲۵/۷۲ ع ۵۴/۲۳	۲۴/۹۳ ع ۵۵/۹۱	

* / ۰۴۴	۳۹/۷۹ ع ۲۹/۲۱	۴۷/۰۲ ع ۲۹/۰۴	۴۳/۸۸ ع ۲۹/۰۷	خستگی
* / ۰۰۰	۸۲/۶۲ ع ۲۰/۳۹		۶۷/۴۲ ع ۲۰/۹۴ ع ۲۳/۰۹	معنویت
			۷۳/۸۷	
* / ۰۰۷	۶۱/۸۵ ع ۲۱/۸۵	۶۸/۲۴ ع ۱۶/۹۷	۶۵/۶۰ ع ۱۹/۹۷	سلامت جسمی
۰ / ۸۳۶	۵۴/۱۷ ع ۱۸/۸۷	۵۴/۶۹ ع ۲۱/۶۶	۵۴/۷۲ ع ۲۰/۷۷	ضعف در عملکرد
			۲۰/۷۲ ع ۲۲/۹۷	ارزیابی سلامت
			* / ۰۰۰	
			۴۴/۵۴ ع ۲۲/۱۰	
			۵۹/۵۶ ع	
			۵۲/۶۲	

\* معنی دار در سطح ۰/۰۵

جدول ۷. مقایسه میانگین ابعاد مختلف سلامت بر حسب سطح سواد

ابعاد سلامت	میانگین کل بعد	میانگین بعد در افراد بی سواد	میانگین بعد در افراد باسواد تا سطح متوسطه	میانگین بعد در افراد دارای تحصیلات عالی	P-مقدار مقایسه سه وضعیت سطح سواد
ارتباط اجتماعی	۶۲/۸۱ ع ۱۵/۶۴	۶۲/۳۶ ع ۱۱/۸۹	۶۲/۳۱ ع ۱۷/۹۱	۶۴/۲۱ ع ۱۴/۷۷	۰ / ۶۳۹
محدودیت در فعالیت‌ها ناشی از بیماری	۶۷/۴۷ ع ۲۸/۴۳	۲۸/۷۸ ع ۲۱/۹۱	۶۳/۶۳ ع ۲۶/۷۶	۸۱/۴۵ ع ۱۸/۱۷	* / ۰۰۰
انرژی و نشاط	۵۱/۹۲ ع ۱۸/۶۶	۴۴/۰۶ ع ۱۷/۵۲	۵۰/۲۹ ع ۱۹/۳۶	۵۵/۵۰ ع ۱۷/۴۷	* / ۰۰۲
هدفمندی در زندگی	۵۷/۷۱ ع ۲۱/۰۸	۶۱/۰۸ ع ۱۷/۶۴	۵۳/۸۳ ع ۲۳/۴۹	۵۹/۸۰ ع ۱۹/۵۹	۰ / ۰۹۰
اضطراب	۵۵/۹۱ ع ۲۴/۹۳	۶۱/۱۳ ع ۲۰/۴۱	۵۲/۶۵ ع ۲۶/۱۱	۵۶/۸۲ ع ۲۴/۹۰	۰ / ۱۳۵
خستگی	۴۳/۸۸ ع ۲۹/۰۷	۲۹/۹۱ ع ۲۷/۸۳	۴۲/۵۲ ع ۲۹/۲۲	۴۹/۳۷ ع ۲۷/۸۰	* / ۰۰۱
معنویت	۷۳/۸۷ ع ۲۳/۰۹	۹۰/۷۲ ع ۱۰/۹۶	۷۳/۲۳ ع ۲۳/۸۸	۷۰/۰۰ ع ۲۲/۳۳	* / ۰۰۰
سلامت جسمی	۶۵/۶۰ ع ۱۹/۹۷	۵۲/۹۱ ع ۲۰/۲۱	۶۶/۳۹ ع ۲۱/۹۵	۶۸/۱۹ ع ۱۶/۳۱	* / ۰۰۰
ضعف در عملکرد	۵۴/۷۲ ع ۲۰/۷۷	۴۵/۵۷ ع ۱۶/۲۵	۵۶/۸۱ ع ۲۱/۵۸	۵۵/۶۹ ع ۲۰/۳۹	* / ۰۰۶
ارزیابی سلامت	۵۲/۶۲ ع ۲۲/۹۷	۳۸/۹۹ ع ۲۳/۴۴	۴۸/۹۵ ع ۲۲/۸۹	۵۹/۷۱ ع ۱۹/۵۰	* / ۰۰۰

\* معنی دار در سطح ۰/۰۱

### بحث و نتیجه گیری

در آپریل ۱۹۷۷، جرج انگل، استاد روان‌پزشکی و پزشکی، مقاله‌ای برای Science نگاشت که تفکر ناشی از مدل زیستی-پزشکی را به چالش کشید. انگل راهی کاملاً جدید را برای تبیین سلامت و بیماری بشر ارائه داد: مدل زیستی-روانی-اجتماعی. او الگوی غالب یعنی مدل زیستی-پزشکی که شامل «تصور بدن به عنوان ماشین، بیماری به مثابه پیامد خراب شدن این ماشین و وظیفه دکتر به عنوان تعمیرکار آن» بود، را رد کرد. او از جامعه پزشکی به خاطر پذیرش مدل-زیستی پزشکی به عنوان یک عقیده تعصب آمیز و ناتوانی از اعتراف به نقطه ضعف‌ها و محدودیت‌های آن انتقاد کرد. او از جهانیان خواست تا بپذیرند که «مرزهای بین سلامت و بیماری، بین خوشی و ناخوشی، کاملاً واضح نیست. چرا که این مرزها با ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و روانی پراکنده شده‌اند». گرچه مدل زیستی-روانی-اجتماعی توسط مکاتب پزشکی و سازمان‌های عمده پزشکی ارتقا یافت، کاملاً در کاربرد پزشکی واقعی ادغام نشد و مدل زیستی-پزشکی به غلبه خود ادامه داد (۳۸).

روانپزشکی نیز تا اندازه‌ای محدود، دیدگاه انگل را پذیرفت. در ۱۹۸۰، زمانی که انجمن روانپزشکی آمریکا سومین ویرایش DSM را منتشر کرد، نظام چند محوری را به آن افزوده بود که کاربرد مدل زیستی-روانی-اجتماعی را در زمینه‌های بالینی، تحصیلی و پژوهشی ارتقا می‌داد (۷). هرچند نظام چندمحوری، از ارزیابی جامع زیستی-روانی-اجتماعی حمایت می‌کرد، تاکید همچنان بر مقوله‌های تشخیصی محور یک و دو بود که در مدل زیستی-پزشکی بیماری روانی ریشه دارد (۱۱). بعد از انگل، اکثر فیلسوفان پزشکی در تعریف سلامت، بر این ابعاد تاکید کردند تا در نهایت سازمان بهداشت جهانی سلامت را «تندرستی کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً فقدان بیماری» تعریف کرد (۱۹).

در پژوهشی کیفی که Franklin در مورد زنان افریقایی امریکایی انجام داده است، موسیقی انجیلی سیاهان Black Gospel Music و معنویت در پیشگیری از عود وابستگی

به کوکائین مؤثر واقع شده است (۳۹). Hames عوامل متعددی را با مدیریت دیابت نوع دو در زنان افریقایی امریکایی مرتبط می‌داند که عبارتند از: حمایت روانی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، فرهنگ، جنسیت، سلامت روانی و معنویت (۴۰). همچنین سلامت این زنان خصوصاً با بافت خانواده و بهزیستی معنوی ارتباط داشت. به عبارت دیگر، متغیرهای زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی با کنترل دیابت نوع دو رابطه داشت. Phelps نشان داد که رنج روانی، حمایت اجتماعی و معنویت، ۶۳٪ از پراکندگی رضایت از زندگی را در افراد افریقایی امریکایی تبیین می‌کند (۴۱).

Millenbruch تمایلات جنسی را پدیده‌ای چندبعدی می‌داند که از ابعاد زیستی، عاطفی، عقلانی، معنوی و اجتماعی تشکیل شده و بر افکار، احساسات و رفتارهای جنسی تاثیر می‌گذارد (۴۲). نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که نجات یافتگان ضربه مغزی که در روابط جنسی خود دچار مشکل نشده‌اند نمرات بالاتری را در سلامت و کارکرد و مقیاس‌های روانی و معنوی و کیفیت زندگی کلی کسب کرده بودند. بردی Brady و همکاران دریافتند که در بیماران سرطانی، معنویت با کیفیت زندگی ارتباط دارد (۴۳). معنویت عامل مهمی در تجربه درد مزمن در بزرگسالان مبتلا به کم خونی سلول داسی شکل (SCD یا Sick cell disease) است. در مطالعه‌ای بر روی بزرگسالان مبتلا به SCD، افرادی که سطوح بالاتری از معنویت/دینداری را داشتند، شدت دردشان کمتر بود و توانایی مقابله بهتری با درد خود داشتند (۳۲).

مدل زیستی-روانی-اجتماعی-معنوی با تعریف EURACT یا European Academy of Teaching of General Practice از کل‌نگری مطابقت دارد که به مشکلات در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و وجودیشان می‌پردازد (۴۴). این مدل، با طرح اخیر DSM در مورد نشانه‌ها، مطابقت دارد. بر اساس این مدل، اختلال در کنش‌های مربوط به مراسم یا تجربیات مذهبی، به عنوان بخشی از ملاک «اختلال معنادار بالینی»، مطرح شده و

است که با سایر ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی در تعامل است (۴۷-۵۰).

در این مقاله با استفاده از توصیه‌های مطرح شده، به استخراج عامل‌های پرسش‌نامه‌ای پرداختیم که هر ۴ بعد را در برگرفته بود. در نتیجه ۱۰ عامل به دست آورده شد. با توجه به روایی و اعتبار قابل قبول بدست آمده از مقیاس ۴ بعدی ارزیابی سلامت، استفاده از این پرسش‌نامه برای مطالعاتی که به منظور سنجش سلامت انجام می‌گیرد پیشنهاد می‌شود. اگر چه ضروری است تا در مطالعات اتی جزئیات بیشتری از شواهد روایی و اعتبار پرسش‌نامه انجام و گزارش گردد.

معنای آن توان کاهش یافته برای انجام مناسک دینی، دستیابی به اهداف یا تجربه حالات مذهبی است (۴۵).

برای عملی ساختن این مسأله، Hill and Kilian پیشنهاد دادند که اختلال در مناسک، خود را در محدودیت شرکت در اعمال مذهبی، مدارای دینی و بخش‌بندی نشان می‌دهد. آن‌ها همچنین پیشنهاد دادند که محدودیت در دستیابی به اهداف دینی در فقدان معنای دینی دیده شده و محدودیت در تجربه حالات دینی با حس بهزیستی، خوش‌بینی و تجربه دینی مرتبط است (۴۶). احتمالاً اختلال در کنش‌های مذهبی می‌تواند تا اندازه‌ای تعمیم یابد تا اختلالات معنوی غیر دینی را نیز در بر گیرد. در نهایت، شمول بعد معنوی بر این اساس

## References

- Hatami H, Razavi M, Eftekhari Ardebili H, Majlesi F. Textbook of public health. Tehran: Arjmand; 2006. [In Persian].
- Kring AM, Johnson SL, Davison GC, Neale JM, Abnormal psychology. 10<sup>th</sup> ed. Translated by Shamsipour, H. et al, Tehran: Ketabe Arjmand; 2009. [In Persian].
- WL H. Clinially significant religious impairment. *Mental health, religion and culture* 2003; 6(2), 113-29.
- Walker J.G., Jackson H.J., Littlejohn G.O. Models of adjustment to chronic illness: using the example of rheumatoid arthritis 2004; 24 (4): 461-88.
- Rahimian Boogar I. Clinical health psychology. Tehran: Danje; 2009 [In Persian].
- Shapiro S., Lopez A, Schwartz G, Bootzin R, Figueredo A, Braden C., [et al]. Quality of life and breast cancer : relationship of psychological variables. *Journal of clinical psychology* 2001; 57: 501-19.
- Engel G. The need for a new medical model: A challenge for biomedicine. *science* 1977; 196: 126-36.
- Edger K.A, Psychol D., Skinner T.C. Illness representations and coping as predictors of emotional wellbeing in adolscents with type I diabets. *Journal of pediatric psychology* 2003; 28(7), 485-93.
- Bazzazian S. Designing a hypothetical Bio-psycho-social model of adjustment with diabetes type I [PhD Thesis]. Tehran: Iran: Tehran University; 2009. [In Persian].
- Stevens P, Smith R L. Substance abuse counseling: Theory and practice. 5<sup>th</sup> ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson/Merrill Prentice Hall; 2005
- Kaplan D M, Sharon L. Coogan. The Next Advancement in Counseling: The Bio-Psycho-Social Model. *American Counseling Association*; 2006: 17-25.
- Anie K, Steptoe A, Bevan D. Sickle cell disease; Pain, coping and quality of life in a study of adults in the UK. *British Journal of Health Psychology* 2002; 7(Part 3); 331° 44.
- Pace B. Renaissance of sickle cell disease research in the genome era. London: Imperial College Press; 2007
- Campbell LC, Clauw DJ, Keefe FJ. Persistent pain and depression. *Biological psychiatry* 2003; 54: 399-409.
- Cox BJ. Predictors of depression in adults with cerebral palsy. *Dissertation abstract international section B* 1999; 60(B): 1847.
- Halpert A, Drossman D. Biopsychosocial issue in irritable bowel syndrome. *Journal of clinical gastroenterology* 2005; 39: 665-9.
- Medalie . Angina pectoris. *Journal of family practice* 1990, 30, 273-80.
- Linda S. Synthesis of scientific discipline in purist of health: the interactive biopsychosocial model. *Perspective in biology and medicine* 2003; 46(3): 274-86.
- Sulmasy D. A biopsychosocial-spiritual model for the care of patients at the end of life. *The Gerontologist* 2002; 42(Spec. No. 3): 24° 33.

20. Astin J. Why patients use alternative medicine: Results of a national study. *JAMA* 1998; 279(19): 1548° 53.
21. Holt C., McClure S. Perceptions of the religion health connection among African American church members. *Qualitative Health Research* 2006; 16(2): 268° 81.
22. Balboni T., Vanderwerker L., Block S., Paulk E., Lathan C, Peteet J. Prigerson H. Religiousness and Spiritual support among advanced cancer patients and associations with end-of-life treatment preferences and quality of life. *Journal of Clinical Oncology* 2007; 25(5): 555° 60.
23. Grant E., Murray S., Kendall M., Boyd M., Tilley K., Ryan S. Spiritual issues and needs: Perspectives from patients with advanced cancer and nonmalignant disease~ A qualitative study. *Palliative Support Care* 2004; 2(4), 371° 8.
24. Koenig, H. Religion, spirituality, and medicine: research findings and implications for clinical practice. *Southern Medical Journal* 2004, 97(12); 1194° 1200.
25. McCord G, Gilchrist V, Grossman S, King B, McCormick K, Oprandi A, 4[ et al]. Discussing spirituality with patients: A rational and ethical approach. *Annals of Family Medicine* 2004; 2(4): 356° 61.
26. Cooper-Effa M, Blount W, Kaslow N, Rothenberg R, Eckman J. Role of spirituality in patients with sickle cell disease. *The Journal of the American Board of Family Practice* 2001; 14(2), 116° 22.
27. Dunn K. Toward a middle range theory of adaptation to chronic pain. *Nursing Science Quarterly* 2004, 17(1), 78° 84.
28. Hill P, Pargament K. Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality. *Implications for Physical and Mental Health Research* 2003; 58(1): 64° 74.
29. Taylor V, Stotts A, Humphreys J, Treadwell J, Miaskowski C. A Biopsychosocial- Spiritual Model of Chronic Pain in Adults with Sickle Cell Disease. *Pain Manag Nurs* 2013; 14(4):287-301.
30. Glover-Graf N., Marini I., Baker J., Buck T. Religious and spiritual beliefs and practices of persons with chronic pain. *Rehabilitation Counseling Bulletin* 2007; 51(1), 21° 33.
31. Harrison M., Edwards C., Koenig H., Bosworth H., Decastro L. Wood M. Religiosity, spirituality, and pain in patients with sickle cell disease. *Journal of Nervous and Mental Disease* 2005; 193(4), 250° 7.
32. Rashiq S., Dick B. Factors associated with chronic noncancer pain in the Canadian population. *Pain Research Management* 2009; 14(6): 454° 60.
33. Rippentrop E, Altmaier E, Chen J, Found E., Keffala V. The relationship between religion/spirituality and physical health, mental health, and pain in a chronic pain population. *Pain* 2005; 116(3), 311° 21.
34. Eran Ben-Arye, Gil Bar-Sela, Moshe Frenkel, Abraham Kuten, Doron Hermoni. Is a biopsychosocial° spiritual approach relevant to cancer treatment? A study of patients and oncology staff members on issues of complementary medicine and spirituality, *spport care cancer* 2006; 14, 147-152.
35. Group W. The WHO quality of life assessment (WHOQOL) position paper from the World Health Organization. *Social science and medicine* 1995; 41, 1403-9.
36. Alonso, Y. The biopsychosocial model in medical research: the evolution of the health concept over the last two dicades. *Patient edcation and counseling* 2004; 53(2): 239-44.
37. Franklin T. J. A Qualitative Study of Black Gospel Music and Spirituality in Relapse Prevention of Cocaine Dependence in Urban African American Women. Walden University: 2010.
38. Hames A. M. African American women with type 2 diabetes: A biopsychosocial-spiritual approach. Greenville; East Carolina University: 2010
39. Phelps, K. W. Satisfaction with life and biopsychosocial-spiritual health among underserved patients with diabetes [Ph.D. Thesis]. Greenville, NC: East Carolina University; 2010.
40. Millenbruch, J. L. Sexuality and quality of life after stroke. Madison: University of Wisconsin-Madison; 2009
41. Brady MJ, Peterman AH, Fitchett G, Mo M, Cella D. A case for includind spirituality in quality of life in measurement in oncology. *Psycho-oncology* 2000; 8: 417-28.
42. Freeman J. Towards a definition of holism. *The British journal general practice* 2005; 55: 154-5.
43. Hathaway, WL. Clinically significant religious impairment. *Mental Health, Religion, and Culture* 2003; 6(2): 113-29.
44. Hill PC, K. M. Assessing clinically significant religious impairment in clients. *Mental health religion culture* 2003; 6(2): 149-60.
45. Creagan ET. Attitude and disposition: Do they make a difference in cancer survival? *Mayo Clinic Proceedings* 1997; 72: 160-4.

46. Powell LH, Shbabi L, Thoresen CE. Religion and spirituality: linkages to physical health. American psychologist 2003; 58(1): 36-52.
47. Doolittle BR, Farrel M. Association between spirituality and depression in an urban clinic. Primary care companion of journal: clinical psychiatry 2004; 6: 114-8.
48. Kendler KS, Gardner CO, MPrescott CA.. Religion, psychopathology, and substance use and abuse. American journal of psychiatry 1997; 154: 322-9.



## Construct's Structure of 4-dimensional measure of health Biopsychosocial-spiritual model

Hadi Bahrami Ehsan<sup>1</sup>, Masha Saadati<sup>2</sup>, Fatemeh Mahmodi<sup>3</sup>, Sedigheh Fani<sup>4</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Aim and Background:** The present study examined the reliability, validity and factor structure of the four-dimensional measure of health questionnaire based on Biopsychosocial-spiritual model.

**Methods and Materials:** The sample consisted of 311 individuals (including depressed people, people with heart disease, and Healthy people) which they collected with accessible sampling method from Shiraz in 1391. For collecting data we used four-dimensional measure of health questionnaire with 125 items that content validity of that was approved by professors. To achieve construct validity we used exploratory factor analysis.

**Findings:** According to good validity and reliability of the 4-dimensional measure of health, we proposed using this questionnaire to measure health in any health survey.

**Conclusions:** Suicide attempters have more abnormal clinical pattern personalities than normal group

**Keywords:** 4 Dimensional measure of health, Exploratory Factor Analysis, Validity, Reliability.

**Citation:** Bahrami Ehsan H, Saadati M, Mahmodi F, Fani S. **Construct's Structure of 4-dimensional measure of health Biopsychosocial-spiritual model.** J Res Behave Sci 2015; 13(2): 155-164

Received: 10.08.2014

Accepted: 13.07.2015

1. Bahrami Ehsan H. Ph.d, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: hbahrami@ut.ac.ir
2. Saadati M., phd Biostatistics, Assistant professor of National population research and comprehensive management institute, Tehran, Iran
3. Mahmodi F. Msc, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.
4. Fani S. Msc, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.